

Everyday Sexism: The Study of Women's Experience of Street Harassment and Victims' Reaction to it in Sanandaj

مطالعه تجربه مزاحمت خیابانی زنان و واکنش قربانیان به آن در شهر سنندج^۱

Jalil Sahabi

Assistant Professor, Department of Social Science, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

*جلیل سحابی

استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

Serve Fayeqli

Masters Of Sociology, West Branch, Payame Noor University, Tehran, Iran

سرور فایقی

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه پیام نور، تهران

Faranak Shahmoradi

Department of English Language, Ghorveh Branch, Islamic Azad University, Ghorveh, Iran

فرانک شاهمرادی

گروه زبان انگلیسی، واحد قروه، دانشگاه آزاد اسلامی، قروه، ایران

Saeed Khani

Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

سعید خانی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج،

ایران

Soheila Hossainpour

Assistant Professor, Department of Education Science, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

سهیلا حسین پور

استادیار گروه علوم تربیتی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

چکیده

Abstract

Aim: The issue of women's experience of harassment has been at the center of this analysis, together with the presence of women in society. Street harassment by men includes any act that involves verbal, physical or even praise of women. This study aims to discover the types of harassment done to women and girls and to investigate their reactions in Sanandaj city. **Method:** The research field included all women and girls aged 18 to 40. The participants were 36 women who had experienced street harassment. They were selected based on the purposive sampling method and semi-structured interviews were implemented for collecting data. The basis of analyzing data was on the grounded theory. **Results:** Fifty-one categories were extracted concerning the cause, reaction, strategy, outcome, and core category. According to these women, street harassment is more common in public places such as streets, parks, and recently in cyberspace. The majority of women experienced their first harassment as a child. These women reported the main reasons for men's committing street harassment as unemployment, sexual problems, considering the streets a place for fun and wandering, emotional deficiencies, and the dominance of a patriarchal atmosphere in the society. The most common reaction of women was silence and ignoring the ugly act of

هدف: همزمان با حضور زنان در عرصه اجتماع، مسئله مزاحمت برای آنها در کانون تحلیل قرار گرفته است. مزاحمت خیابانی از سوی مردان شامل هر نوع عملی است که جنبه کلامی، فیزیکی و حتی تمجید از زنان را شامل شود. هدف از پژوهش حاضر، کشف انواع مزاحمت های ایجاد شده برای زنان و دختران و بررسی واکنش آنها در سطح شهر سنندج است. **روش:** میدان پژوهش شامل کلیه زنان و دختران ۱۸ تا ۴۰ ساله شهر سنندج است که براساس نمونه گیری هدفمند و با تکنیک مصاحبه نیمه ساختار ۳۶ نفر از زنانی مصاحبه گردید که مزاحمت خیابانی را تجربه کرده بودند سپس داده‌ها بر اساس نظریه زمینه‌ای تحلیل شدند. **یافته‌ها:** براساس داده‌ها، ۵۱ مقوله در رابطه با علت، واکنش، استراتژی، پیامد و مقوله هسته استخراج شد. از دید این زنان مزاحمت خیابانی بیشتر در مکان‌های عمومی همچون خیابان، پارک‌ها و اخیراً فضای مجازی اتفاق افتاده و اکثریت زنان اولین مزاحمت را در دوران کودکی تجربه کرده بودند. زنان عواملی چون بیکاری، مشکلات جنسی، تبدیل شدن خیابان به مکانی برای سرگرمی و پرسه‌زنی، کمبودهای عاطفی و برتری فضای مردسالارانه بر اجتماع را دلایل اصلی اقدام به مزاحمت خیابانی می‌دانستند. متداول‌ترین واکنش زنان، سکوت و عدم توجه به عمل زشت مزاحمت، به‌ویژه متلک است که پیامد آن احساس ترس و ناامنی برای زنان بود. **نتیجه**

*نویسنده مسئول: jalil.sahabi@iausdj.ac.ir

۱- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی است که از حمایت مادی معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج بهره‌مند شده است.

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۳

harassment, especially teasing, the result of which was a sense of fear and insecurity for women. **Conclusion:**The final core category of the research was called the concept of "street as a space for showing male socio-economic failures."

Keywords: street harassment, fear and social insecurity, verbal violence, women and girls in Sanandaj.

گیری: مقوله هسته نهایی پژوهش مفهوم «خیابان فضای تخلیه ناکامی های اجتماعی - اقتصادی مردانه» نام گذاری شد.

واژه گان کلیدی: مزاحمت خیابانی، ترس و ناامنی اجتماعی، خشونت کلامی، زنان و دختران شهر سنندج.

مقدمه

یکی از ویژگی های دوران مدرن خلق فضاهای شهری جدید از قبیل بلوار، خیابان و پارک و درعین حال رهایی مردان و زنان از قیود اجتماع سنتی و فئودالی برای حضور در این مکان ها است (Berman, 2019, 162 & 181). اگر خیابان برای انسان مدرن و شهری نماد آزادی (Mirzaie, 2017, 281) و نشستن، سرزندگی اجتماعی و شادابی است (Whyte, 2013, 91). برای برخی از زنان به غیر از آزادی بیانگر محدودیت هایی مانند خشونت یا مزاحمت است. خشونت در تمامی گروه های سنی، طبقات اجتماعی، تمامی نژادها، مذاهب و ملیت ها در سرتاسر جهان توسط زنان تجربه شده است که به طور چشمگیری از سوی مردان صورت گرفته و نمود بارز مناسبات نابرابر قدرت میان زنان و مردان است که به سلطه و تبعیض علیه زنان منجر شده و یکی از مکانیسم های اجتماعی مهمی است که باعث شده زنان نسبت به مردان در وضعیت و موقعیت دون پایه تری قرار بگیرند (Crouch, 2009).

زنان دست کم از اوایل دهه ۱۸۷۰ به این سو مورد مزاحمت و آزار جنسیت محور در مکان های عمومی قرار گرفته اند. این نوع مزاحمت های جنسیت محور در مکان های عمومی و نیمه عمومی از سوی مردان غریبه متوجه زنان و دختران می شود (Bowman, 1993). مزاحمت های جنسیت محور اغلب ماهیتی جنسی دارند و شامل اشکال متعدد رفتارهای آزاردهنده از توهین، طعنه و کنایه گرفته تا تنه زدن و چشم چرانی را شامل می شوند و نمی توان آن ها را بر اساس سن، نژاد و یا طبقه اجتماعی پیش بینی کرد (Gardner, 1995). در تعبیر دیگری، مزاحمت خیابانی طیف وسیعی از رفتارهای ناخواسته از جمله رفتارهای جنسی، توهین، اظهارات یا متلک های جنسی، تماس فیزیکی ناخواسته، تماس های جنسی طبیعی و یا غیرطبیعی بر روی پیوستاری از رفتارها را شامل می شود که می تواند به اشکال مختلف خشونت بیانجامد (Kearl, 2010). دی. لئوناردو مزاحمت خیابانی را به عنوان تجربه ای که در آن یک زن از طرف یک مرد غریبه در مکان های عمومی از طریق «نگاه کردن، ایما و اشارات، متلک گفتن و چشم چرانی به منظور جلب توجه تعریف می کند (Di Leonardo, 1981). لانگلان مزاحمت خیابانی را استفاده از واژگان، اشارات، حرکات بدنی و یا هر ابزار ارتباط کلامی و غیرکلامی به منظور توهین، تحقیر و یا انسان زدایی از زنان تعریف می کند (Langelan, 1993). در کشور ما

نیز خشونت علیه زنان به مسئله‌ی اجتماعی قابل تأملی تبدیل شده است (Heydari Nejad & Navah, 2019) و سندج نیز از این قاعده تبعیت می‌کند.

در راستای شیوع و گسترش این مسئله و پیامدهای زیان‌بار آن برای زنان و جامعه در شهر سندج، با توجه به پرونده‌های قضایی که منجر به صدور حکم در شهر سندج گردیده و اظهار این مسئله توسط بسیاری از زنان اگر چه آمار دقیقی برای آن وجود ندارد و در راستای مطالعه احمدی و بیورانی (۱۳۹۵) که به مزاحمت از دید پسران در شهر سندج نگاه کرده‌اند این مقاله به دنبال تحلیل این موضوع بر اساس روش کیفی و از دید زنان و دختران است و قصد دارد مسئله را از دید آن‌ها مورد توجه قرار دهد. این امر از آنجا حائز اهمیت است که در مطالعات مستشرقین زنان کرد در جایگاه والایی نسبت به اقوام دیگر خاورمیانه قرار دارند (Nikitine, 1999, 212) و به نظر می‌رسد در دوران مدرن مانند سایر مناطق دیگر ایران و جهان مزاحمت برای زنان در قلمرو عمومی رو به گسترش است. برخی از مطالعات داخلی و خارجی مانند ذکایی، ابادری، صادقی فسایی و حمیدی، صادقی فسایی و لاریجانی، ایمان، یوسفی نژاد و حسین زاده، صفاریان، مرادی و نریمانی در کرمانشاه، احمدی و بیورانی، احمدی، بخارایی و بیورانی در سندج، مک میلان و همکارانش، جانسون و بنت، دیلون و باکایا شاهد این ادعا هستند.

در بیشتر این مطالعات و به‌ویژه نمونه‌های مرتبط با شهر سندج، از روش کمی استفاده گردیده و تمایز این کار در روش کیفی مورد مطالعه و نظریات ترکیبی این حوزه است. در طی سه دهه اخیر در سندج، مرکز استان کردستان با ایجاد پاساژها، پارک‌های جنگلی و خیابان‌های جدید روند توسعه شدت گرفته و به همان اندازه امکان حضور زنان در مکان‌های عمومی میسر شده است. بر اساس مباحث گفته شده و در راستای ادبیات نظری، سؤالاتی که در این مقاله مطرح می‌گردد بدین شرح است: تجارب زنان شهر سندج از مزاحمت خیابانی و واکنش و استراتژی آن‌ها در مقابل مزاحمین چگونه است؟ قربانیان مزاحمت خیابانی و مزاحمین خیابانی دارای چه ویژگی‌های زمینه‌ای هستند؟ علت مزاحمت خیابانی و صورت‌بندی آن چگونه است؟ تعریف و واکنش قربانیان به مزاحمت‌های خیابانی چگونه است؟ نگرش قربانیان نسبت به مزاحمت خیابانی، پیامدها و راهکارهای آن چیست؟

پیشینه مطالعات تجربی

صفاریان، مرادی و نریمانی در مطالعه‌ای کمی در کرمانشاه چهار متغیر محرومیت نسبی، تأثیرگذاری دوستان، میزان دین‌داری و بی‌نظمی اجتماعی را با ۵۷ درصد قدرت تبیین متغیر مزاحمت خیابانی مورد مطالعه قراردادند (Saffarian, Moradi, Narimani, 2016).

در مطالعه دیگری احمدی و بیورانی بر اساس روش کمی در شهر سنندج به این نتیجه دست یافته‌اند که از میزان ۳۸۰ نفر تنها ۱۸ نفر مرتکب هیچ‌گونه مزاحمتی نشده‌اند و میزان سستی بودن، جنسیت زدگی و خشونت تأثیرگذارترین متغیرها بر مزاحمت جنسی هستند (Ahmadi, Biwarani, 2016). در مقاله دیگری احمدی، بخارایی و بیورانی در سنندج بر اساس روش کمی به این نتیجه رسیده‌اند که فقر فرهنگی یا فقدان مصرف کالاهای فرهنگی دارای بیشترین تأثیر بر میزان مزاحمت است (Ahmadi, Bokharaei, Biwarani, 2019).

ذکایی در پژوهشی در تهران به این نتیجه رسیده است که همه پاسخگویان تجربه‌هایی از مزاحمت جنسی داشته‌اند و بیشترین میزان مربوط به مزاحمت در مکان‌های شلوغ از جمله وسایل نقلیه عمومی است و زنان با قراردادن کیف به‌عنوان حائل و یا تذکر دادن به آن واکنش نشان داده‌اند و در برخی موارد سکوت را اختیار کرده‌اند و در مواردی در صورت عدم رعایت مردان به فحش و ناسزا انجامیده است (Zokaei, 2005). اباذری، صادقی فسایی و حمیدی به این نتیجه دست یافته‌اند که زنان به مواردی از قبیل ترس از مورد تهدید و تجاوز قرار گرفتن و مقصر شناخته شدن و توهین و بدنامی اشاره کردند (Abazari, Sadeghi Fassaei, & Hamidi, 2008).

مطالعه صادقی فسایی و رجب لاریجانی بیانگر این است که تجربه آزار جنسی در زمینه‌ای رخ می‌دهد که روابط قدرت میان زنان و مردان به‌شدت نابرابر است. همچنین آزار جنسی به متغیرهایی چون درآمد، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و منزلت اجتماعی سوژه بستگی دارد. زنان جوان و مجرد با تحصیلات پایین بیشتر از سایر گروه‌ها در معرض آزار جنسی شغلی قرار دارند (Sadeghi Fassaei, and Larijani, 2010). دریدر در مقاله‌اش می‌گوید که اولین قدم در تشخیص یک عمل به‌عنوان آسیب، مستلزم ساخت دقیقی از آن عمل است. هنگامی که آزار و اذیت خیابانی به‌عنوان آسیبی شناخته می‌شود که در تروریسم جنسی نقش دارد و با جنسیت سازی بر زندگی زنان برای تداوم تبعیت زنان حکومت می‌کند، آزار خیابانی به‌عنوان یک آسیب قابل مشاهده می‌شود. استفاده از اصطلاح آزار و اذیت خیابانی برای توصیف نوع رفتار گامی در جهت شکستن سکوت و باورهای غلطی است که آزار و اذیت خیابانی را در برمی‌گیرد. زنان آفریقایی آمریکایی تجربه آزار و اذیت خیابانی و شناخت راه‌های مختلف آن را دارند. تجربه‌ی زنان آفریقایی آمریکایی به آزار و اذیت خیابانی و بحث برده‌داری گفتمان آزار و اذیت خیابانی را وسعت می‌بخشد و دسترسی به یک اصطلاح چندگانه را فراهم می‌کند که معنای گسترده‌تر از اثرات آزار و اذیت خیابانی است که «قتل روح و روان» نام دارد این عبارات به زنان درک کامل‌تری از آسیب می‌دهد که مزاحمت‌های خیابانی باعث می‌شوند. نام بردن

از آسیب وسیله‌ای را در اختیار همه زنان قرار می‌دهد که مزاحمت‌های خیابانی را می‌توان از بین برد و به آن‌ها این قدرت را می‌دهد تا با صدای بلند و رسا در پاسخ به آزار و اذیت خیابانی صحبت کنند (Deirdre, 1994).

یکی از مهم‌ترین یافته‌های مک میلان و همکارانش در مورد خشونت علیه زنان در کانادا این بود که ۸۵ درصد پاسخگویان مزاحمت‌هایی را از غریبه‌ها تجربه کرده‌اند و مهم‌ترین نوع این مزاحمت‌ها شامل چشم‌چرانی، هو کردن، رفتارهای کلامی و لمس کردن بدن است (Macmillan, Nierobisz & Welsh, 2000).

بر مبنای مطالعه‌ای در قاهره بر روی ۱۰۱۰ پاسخگوی مرد و ۱۰۱۰ پاسخگوی زن، ۶۲٫۴٪ از مردان مصری که در قاهره زندگی می‌کردند یک یا تمامی اشکال مزاحمت‌های خیابانی را نسبت به زنان در مکان‌های عمومی مرتکب شده بودند. همچنین ۱۳٫۴٪ از مردان مصری از مشارکت در تماس بدنی نسبت به زنان گفته بودند. ۴۳٫۶٪ درصد از پاسخگویان به مزاحمت کلامی‌شان نسبت به زنان در مکان‌های عمومی اقرار کرده بودند. ۴۹٫۸٪ درصد از پاسخگویان مرد نیز با دیگر اشکال مزاحمت از جمله چشمک زدن و اظهارات تحریک‌آمیز مزاحمت‌هایی را برای زنان در مکان‌های عمومی به وجود آورده بودند (Hassan, Komsan, Shoukry, 2008).

لوگان می‌گوید که زنان رنگین‌پوست، به ویژه زنان سیاه‌پوست، به‌عنوان قربانیان آزار و اذیت خیابانی به‌طور مشخصی آسیب‌پذیر هستند. اگرچه هم زنان سفیدپوست و هم زنان رنگین‌پوست با این معضل مواجه هستند اما زنان رنگین‌پوست بیشتر در معرض آزار و اذیت خیابانی در نتیجه خشونت نهادی و ترس از آن می‌باشند. به نظر می‌رسد که گزینه‌های آن‌ها به دلیل عدم تمایل به درگیر شدن در دفاع از خود نیز به خاطر تمایل به حفظ روابط و حمایت از مردان در جوامع رنگین‌پوستان است. سازمان‌ها و نهادهای دولتی که به آزار و اذیت خیابانی رسیدگی می‌کنند باید به این موارد نیز توجه داشته باشند. سیاست‌ها و اقدامات باید با هدف محافظت از زنان در برابر آزار و اذیت خیابانی باشد همچنین مراقب طیف نابرابری‌هایی که زندگی عمومی زنان و مردان، دگرباشان و دگر جنس‌گرایان را ساختار می‌دهد، باشند؛ زیرا امتیاز ساختارهای نابرابری که آزار و اذیت خیابانی بر آن دامن می‌زند، نژادپرستانه، طبقاتی و جنسیتی است (Logan 2013).

دیلون و باکایا در مطالعه‌ای تحت عنوان «مزاحمت خیابانی: مطالعه‌ی کیفی تجارب زنان جوان» که بر روی زنان بین سنین ۱۸-۳۰ در دهلی انجام داده‌اند اذعان می‌دارند که مزاحمت جنسی در مکان‌های شلوغ و عمومی و وسایل نقلیه عمومی بیش از مکان‌های نیمه عمومی مانند مغازه‌ها و رستوران‌هاست. بیشتر افراد مصاحبه‌شونده در این مطالعه ابراز می‌دارند که در داخل اتوبوس‌ها همیشه مجبور بوده‌اند که کیف و یا

چیزی را میان خودشان و هم‌سفرشان به‌منظور اجتناب از تماس قرار دهند. گاهی اوقات، زنان به دلیل ترس از تشدید تنش، ترجیح می‌دهند از خود با دور شدن از آزاردهنده‌ها به جای مقابله با آنها دفاع کنند. با این حال، چندین شرکت‌کننده احساس کردند که ساکت ماندن باعث تداوم آزار و اذیت می‌شود همچنین تغییر عمده ای که زنان به دنبال آن بودند این بود که عملکرد پلیس می‌تواند خیلی موثر باشد (Dhillon, & Bakaya, 2014).

یافته‌های جانسون و بنت در پژوهشی تحت عنوان «تجربه زنان استرالیایی از مزاحمت خیابانی» بر روی ۱۴۲۶ زن استرالیایی نشان می‌دهد ۸۷٪ درصد زنان دست‌کم اشکالی از مزاحمت خیابانی کلامی یا فیزیکی را تجربه کرده‌اند. ۵۴٪ درصد زنان زمانی که برای اولین مزاحمت خیابانی را تجربه کرده‌اند بالای ۱۸ سال سن داشته‌اند. ۴۹ درصد آن‌ها دیگر اشکال مزاحمت از جمله تماس بدنی و چنگ زدن را تجربه کرده‌اند (Johnson, & Bennett, 2015).

تایرون در رساله‌اش نقل می‌کند که آزار و اذیت خیابانی یک مشکل روزمره است که به‌طور نامتناسبی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث ایجاد ناراحتی عاطفی و روانی قابل‌توجهی در آن‌ها می‌شود. محققان نیاز به تحقیقات بیشتری در مورد آزار و اذیت خیابانی در فضاهای عمومی دارند. اما عدم تعریف شناخته‌شده جهانی از آزار و اذیت خیابانی این تلاش‌ها را با مشکل مواجه کرده است. این مطالعه به دنبال تعیین چگونگی شناسایی و صحبت مردان در مورد آزار و اذیت زنان در فضاهای عمومی است. بنابراین پنج گروه متمرکز مرد (N = 26) انتخاب شدند تا با استفاده از محرک‌های ویدئویی تعامل بین یک مرد و یک زن را در یک مکان عمومی به تصویر بکشند. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به ویدیوها نشان می‌دهد که آزار و اذیت خیابانی در یک طیف وجود دارد، و اینکه بعضی رفتارها بدتر از بقیه هستند. محقق عینک آفتابی را برای مردان انتخاب کرد تا توجه شرکت‌کنندگان را بر روی ارتباط کلامی و رفتار فیزیکی متمرکز کند. شرکت‌کنندگان گفتند که عینک آفتابی باعث مشکل در تفسیر حالت رفتار مردان می‌شود (Blythe Eryn Tyron 2017).

آدیکاری و حسین بیان می‌دارند که آزار و اذیت خیابانی فراگیرترین و موزیانه‌ترین شکل خشونت علیه زنان است که با سرعت هشداردهنده‌ای اتفاق می‌افتد و اکنون بخشی از تجربه روزانه زنان در سراسر جهان شده است. هدف این مقاله بررسی نوع استراتژی مقابله‌ای اتخاذشده توسط زنان برای مقابله با آزار و اذیت خیابانی و همچنین چگونگی تأثیر استراتژی مقابله‌ای است که از تحلیل واریانس و تحلیل تعقیبی استفاده شد. داده‌ها از ۱۸۷ زن بین ۱۸ تا ۳۰ سال که به دانشگاه‌های دهلی می‌رفتند جمع‌آوری شد بود و از شاخص

آزار و اذیت برای سنجش تجربیات آزار و اذیت خیابانی استفاده شد. چهار راهبرد اصلی مقابله‌ای معمولاً در پاسخ به آزار و اذیت خیابانی فعال، منفعل، خوش‌خیم و سرزنش خود اتخاذ می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد از آنجایی که موضوع مزاحمت‌های خیابانی مدام مطرح است تفاوت معناداری بین راهبردهای فعال، منفعل و سرزنش خود بسته به فراوانی آزار و اذیت وجود دارند و نیاز به افزایش بازنگری در برخی از سیاست‌ها و قوانین که با آزار و اذیت خیابانی مرتبط هستند، می‌باشد (Adhikari and Husain 2021).

مقاله ویکتوریا و همکاران نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان، خشونتی مبتنی بر جنسیت است که علیه زنان و دختران انجام می‌شود. مؤنث بودن می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد و در زمینه‌های مختلف ظاهر شود. مطالعه بر اساس تجزیه و تحلیل سودمندی یک ابزار برای ارزیابی نگرش‌های اجتماعی نسبت به شکل خشونت علیه زنان و تجزیه و تحلیل تأثیر جمعیت‌شناسی اجتماعی بود و ۵۳۸ جوان اسپانیایی در آن شرکت کردند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که پرسشنامه برای استفاده به عنوان ابزاری برای ارزیابی نگرش‌های اجتماعی نسبت به این نوع خشونت علیه زنان کافی بود چون افزایش آزار جنسی خیابانی در اسپانیا و تأثیر مستقیم جنسیت بر ادراک خشونت تجربه شده را نشان می‌داد. شرکت‌کنندگان گفتند که نگرش‌های منفی یا طرد شدن و احساساتی مشابه آن در میان زنان زیاد است (Victoria A. Ferrer-Perez and et al 2021).

مبانی نظری

اجتناب از کاربرد نظریه در پژوهش غیرممکن است حتی مطالعات توصیفی نیز که شاید فقط با چند مفهوم سروکار دارند، نمی‌توانند از کاربرد نظریه بگریزند چون همه مفاهیم حامل بار نظری هستند (Blaikie, 2013). بنابراین در این مقاله به تعدادی از نظریه‌های مرتبط اشاره می‌شود. لتون و همکاران سه نظریه را در ارتباط با مزاحمت مطرح کرده‌اند: نظریه‌های ساختاری-اجتماعی، نظریه‌های فرهنگی-اجتماعی و نظریه‌های کنترل اجتماعی. هر سه نظریه بر عنصر قدرت که مردان در جامعه دارند تأکید دارند اما مبنای استدلالشان در مورد قدرت باهم فرق دارند. بر مبنای نظریه ساختاری-اجتماعی زنان گروه‌های ستم‌دیده در جامعه هستند و مردان گروه‌های ستمگر و به خاطر همین امر مردان نسبت به زنان دسترسی بیشتری به منابع دارند. بنابراین، مردان قدرت بیشتری دارند و مزاحمت بازتاب تفاوت آن‌ها در قدرت است. داعیه‌ی نظریه‌های فرهنگی-اجتماعی این است که مزاحمت به دلیل هنجارهای جنسیتی فرهنگی صورت می‌گیرد تا ساختاری-اجتماعی و استدلال آن‌ها این است که مردان پرخاشگر و سلطه‌طلب هستند و زنان ترسو و مطیع (Lenton, Smith, Fox, & Morra, 1999).

بر مبنای نظریه کنترل اجتماعی، مردان حوزه‌ی عمومی را به‌عنوان قلمرو خود می‌بینند و مزاحمت را به این دلیل انجام می‌دهند که قدرتشان را به‌عنوان گروه سلطه‌طلب به زنان نشان دهند و آن‌ها را خارج از حوزه‌ی عمومی نگه‌دارند. نظریه‌های کنترل اجتماعی، بزه و بزهکاری را به متغیرهای جامعه‌شناختی عادی مثل ساختارهای خانوادگی، آموزش و گروه‌های همسالان نسبت می‌دهند. در این صورت رهیافت آنان از سایر نظریه‌های کنترل متفاوت است (Williams, F and Mackshin, 2004, 199).

جرم‌شناسان فمینیست نیز با توسل به فرضیه جنسی کردن، کانون توجه خود را بر مسئله ظهور جرم قشر مؤنث و ساخت و معنای آن متمرکز ساخته‌اند (White & Haines, 2019) و در واقع ریشه‌ی مردسالاری یا پدرسالاری را در تفاوت‌های زیستی ذاتی میان مردان و زنان تلقی می‌کنند (Wald, Bernard, and Jeffrey, 2018). رادیکال‌ها بر این باورند که ستم‌دیدگی زنان امری بنیادی و ساختاری است و مبنای این ستم‌دیدگی، تصاحب یا کنترل بدن زنان است و همین مسئله موجب بروز خشونت علیه زنان می‌شود (Moyer, 2002, 252). برخی فمینیست‌های رادیکال تلاش می‌کنند تا مسئله‌ی خشونت مردانه را به ویژگی‌های ذاتی مردان پیوند بزنند زیرا معتقد هستند که خشونت و پرخاشگری جزء لاینفک و ذاتی مردان است و در واقع ریشه‌ی مردسالاری یا پدرسالاری را در تفاوت‌های زیستی ذاتی میان مردان و زنان تلقی می‌کنند (Wald, Bernard, and Jeffrey, 2018). از این منظر، سلطه مردان نیرویی است که هم انسان‌ها را اجتماعی می‌کند و هم دنیای اجتماعی را ساختار و نظم می‌بخشد (Eitzen, Baca Zinn, Eitzen Smith, 2018, 373). به باور طرفداران نظریه‌ی کنش متقابل نمادین، جامعه‌پذیری جنسیتی فرایندی است که در آن پسران و دختران عمل به اعمالی که از آن‌ها انتظار می‌رود را یاد می‌گیرند. بخش اعظم این فرایند در روابط متقابل با والدین، معلمین، گروه همسالان و رسانه‌های جمعی حاصل می‌شود (Shepard, 2007, Giddens, 2020, 157). مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری، خانواده است. بدیهی است که والدین در جامعه‌پذیری پسران و دختران بسیار ضروری محسوب می‌شوند، چراکه آن‌ها ارزش‌ها و نگرش‌ها را به آن‌ها منتقل می‌کنند و از طرفی یادگیری کودکان نیز از بدو تولد آغاز می‌شود. والدین با رفتارهایشان و دادن صفات به آن‌ها، فرزندانشان را بر اساس نوع جنسیت ارزیابی می‌کنند (Shepard, 2007). اروینگ گافمن از نظریه‌پردازان برجسته کنش متقابل نمادین بود که به بحث در باب روابط متقابل در مکان‌های عمومی و نیمه عمومی پرداخت. زمانی که دو نفر در خیابان از مقابل هم می‌گذرند نگاه بسیار گذرای با هم ردوبدل می‌کنند و سپس نگاه خود را برمی‌گردانند و با اجتناب از نگرستن به یکدیگر از کنار هم می‌گذرند. آن‌ها با این کار چیزی را به نمایش

می‌گذارند که گافمن آن را «بی‌اعتنایی مدنی^۱» می‌نامد؛ اما برخی مواقع این قاعده نقض می‌شود. برای مثال، افرادی که «خارج از نقش» خود عمل می‌کنند به احتمال زیاد مورد خطاب دیگران قرار می‌گیرند. آنچه مردان را به سوی مزاحمت جنسی سوق می‌دهد نیز همین امر است که آن‌ها یاد گرفته‌اند که نیازی به قاعده‌ی بی-اعتنایی مدنی در برابر زنان نیست، از این رو به راحتی آن را نقض می‌کنند و این یکی دیگر از آثار قدرتی است که جامعه به مردان می‌دهد (Bowman, 1993. Goffman, 2013).

پیچیده‌ترین و دشوارترین و همه‌جانبه‌ترین نقشی که فرد یاد می‌گیرد زن یا مرد بودن است (Eitzen, Baca Zinn, Eitzen Smith, 2018, 373). به منظور تبیین جنسیت و سیاست سلطه به تحلیل بوردیو از «سلطه مردانه» که در آن او از مفهوم خشونت نمادین استفاده می‌کند اشاره می‌شود که سلطه مردانه مستلزم این است که این عمل سلطه با «همدستی عینی» خود زن زیر سلطه اعمال می‌شود (Bourdieu, 2002). بر اساس نظریه جامعه‌پذیری جنسیت، فرایند جامعه‌پذیری گرایش‌ها و هویت جنسیتی را در خانواده درونی کرده و آن را به فرزندان انتقال می‌دهد و باعث دائمی شدن سلطه مرد و مطیع بودن زن می‌شود. چراکه معمولاً از زنان تصویر آرام، مطیع، منفعل، عاطفی و وابسته و از مردان تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و مصمم ترسیم می‌نماید و در چنین شرایطی زنان نقش جنسیتی سنتی مطیع بودن و در مقابل مردان نقش سلطه‌گرای مردانه را می‌پذیرند (Schaeffre, 1992).

بر مبنای نظریه‌های ذکر شده، می‌توان از جایگاه فرودستی زنان نام برد که ناشی از اقتدار نهادی شده مردان بر زنان در خانواده و جامعه است. بر این اساس در موقعیت‌های مختلف، امکان آزار و مزاحمت برای زنان وجود دارد. این امر با گسترش حضور زنان در جامعه نیز اتفاق می‌افتد. رویکردهای ساختاری، فرهنگی، کنترل اجتماعی و فمینیستی سهم قابل توجهی در تبیین خشونت علیه زنان دارد. بر مبنای این رویکردها، حوزه عمومی قلمرو مردانه تلقی شده و مبنای ستم‌دیدگی، کنترل بدن زنان از سوی مردان است و تمایل به این مسئله باعث اعمال خشونت علیه زنان می‌گردد. نقض قاعده بی‌توجهی مدنی نیز یکی از مواردی است که اعمال قدرت زنان بر مردان را توجیه می‌کند.

روش‌شناسی

روش پژوهش کیفی از انواع روش‌های پژوهش است که بیشتر بر تجربه زیسته افراد و پنداشته‌ها و باورهای آن‌ها در مورد موضوع زیسته و تجربه شده متمرکز است که به خلق نظریه می‌انجامد. این گونه خلق نظریه «قفسه‌ای و کتابخانه‌ای» نیست بلکه بر اساس داده‌های مشارکت‌کنندگانی که آن فرآیند را تجربه کرده‌اند

¹ civil inattention

ایجاد می‌شود (Creswell, 2019, 85). این مقاله از نظر ماهیت داده پژوهشی کیفی، از نظر منطق اجرا استقرایی، از نظر هدف یک مطالعه کاربردی، از نظر وسعت ژرفانگر، از نظر دامنه یک مطالعه خرد و از نظر زمانی یک بررسی در زمان حال به صورت تک مقطعی است. جامعه آماری همه زنان و دختران ۱۸ تا ۴۰ ساله شهر سنندج بوده که تعداد آنها نامحدود فرض شده است. حجم نمونه ۳۶ نفر از زنان و دختران شهر سنندج بوده که به صورت نمونه‌گیری هدفمند (افراد دارای حضور بیشتر در خیابان، دارای تجربه مزاحمت و علاقه‌مند به شرکت در مصاحبه) تعداد نمونه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نظریه زمینه‌ای است. نظریه صرفاً زمانی اعتبار دارد که محقق به نقطه‌ی اشباع رسیده باشد. نقطه‌ی اشباع نظری که در آخرین مرحله‌ی کدگذاری نظریه‌ی زمینه‌ای، یعنی کدگذاری انتخابی، روی می‌دهد تبیین‌کننده‌ی نظریه‌ی زمینه‌ای است (Morse, 1995). این امر در این مقاله ملاک عمل بوده است و با توجه به تقسیم‌بندی که در فرایند کار صورت پذیرفته است محققین به اشباع نظری دست یافته‌اند. با رسیدن به اشباع در این زمینه‌ها و عدم مشاهده نکات و مفاهیم جدید محققین فرایند نمونه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات را پایان داده‌اند.

در این روش بر اساس دو ملاک مطلع بودن^۱ و آگاهی از موضوع، یعنی واجد صلاحیت پاسخ به سؤالات تحقیق در باب موضوع مطالعاتی بودن و داشتن تجربه زیسته^۲ طولانی، مستمر و قابل‌اعتنا در خصوص مسئله مورد تحقیق، گروه یا جامعه مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. تحدید جامعه مطالعاتی و تعیین حجم آن در طول تحقیق و در طی مراحل پژوهش، از طریق نمونه‌گیری نظری^۳ انجام گرفته و ویژگی‌های آن انعطاف‌پذیری، زنجیره‌ای و متوالی بودن، هدایت آن از طریق توسعه نظری و استمرار است (Flick, 2018, 138. Strause, Corbin, 2019, 221. Mohseni Tabrizi, 2016, 138-9).

در این مقاله از روش غیر احتمالی هدفمند جهت رسیدن به نمونه‌ها استفاده شده است. در این روش، چارچوب نمونه‌گیری دقیقی برای انتخاب حجم نمونه وجود ندارد و معمولاً محقق نظرات شخصی و یا اشتها‌ی خود را در انتخاب افراد یا اشیاء نمونه دخالت می‌دهد. نمونه‌گیری غیر احتمالی به روش‌هایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها، به دلایلی از جمله در دسترس نبودن همه اعضای جامعه، کمبود وقت و ... امکان اجرای شرط برابری انتخاب برای همه اعضای جامعه وجود ندارد که یکی از روش‌های آن هدفمند یا

¹ informant

² Lived experience

³ Theoretical sampling

قضاوتی است (Safari Shali, 2015, 129) که در این پژوهش زنان و دختران به صورت هدفمند انتخاب گردیده‌اند.

بر این اساس، در دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی دانشگاه کردستان (۱۰ نفر)، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج (۱۰ نفر)، مجتمع‌های بانا آبیدر و کردستان (۸ نفر)، پاساژهای آینه، صدف و آشنا (۸ نفر) از زنان و دخترانی که مزاحمت خیابانی را تجربه کرده، ساکن شهر سنندج بوده، تمایل به مشارکت در این مطالعه داشته و ۱۸ تا ۴۰ سال سن داشته‌اند نمونه‌ها انتخاب شدند.

دستیابی به اعتماد (معادل اعتبار در تحقیقات کمی) به روش‌های کنترل یا اعتبار یابی توسط اعضا، استفاده از تکنیک ممیزی و زاویه‌بندی نظری امکان‌پذیر است (Mohseni Tabrizi, 2016, 149). در این پژوهش از دو روش تکنیک ممیزی و زاویه‌بندی استفاده شده است. برای پایایی می‌توان روش‌های کیفی استاندارد و فرآیند مستندسازی یا راه‌اندازی یک‌رشته بازرسی یا تصمیم‌گیری را در دستور کار قرارداد (Safari Shali, 2015, 120). به صورت مشخص جهت غلبه بر مسئله تعمیم در روش‌های کیفی می‌توان به سه صورت عمل کرد: به مطالعه بیش از یک مورد پرداخت، بررسی توسط بیش از یک محقق صورت گیرد و رویکرد سوم جستجو برای یافتن موردی است که نماینده مجموعه معینی از ویژگی‌ها باشد (Bryman, 2014, 120-1). در این مقاله نیز بررسی توسط بیش از یک محقق صورت پذیرفته است و مطالعه به طیف وسیعی از خانم‌ها پرداخته که از موضوع تجربه زیسته داشته‌اند.

وسیله اندازه‌گیری در این پژوهش فرم مصاحبه نیمه ساختارمند است که به صورت باز طراحی شده و شامل سؤالات عمومی (سن، شغل، درآمد، محل سکونت و نوع پوشش) و تخصصی مرتبط با موضوع مورد مطالعه شامل ۲۰ سؤال باز است. ویژگی‌های زمینه‌ای مزاحمین، ویژگی‌های زمینه‌ای قربانیان، انواع مزاحمت خیابانی. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای صورت گرفته است. برای تفسیر اطلاعات گردآوری شده، از روش نظریه‌ی زمینه‌ای برای استخراج مفاهیم^۱، مقولات و طبقات^۲ و گزاره‌ها و قضایا^۳ استفاده شده است (Mohseni Tabrizi, 2016, 134-5). در این مقاله برای رسیدن به مفاهیم نهایی از روش کدگذاری معمول باز، محوری و گزینشی در تحقیقات کیفی و تئوری زمینه‌ای استفاده شده است و مفهوم هسته نهایی «خیابان فضای تخلیه ناکامی‌های اجتماعی - اقتصادی مردانه» که شامل همه مفاهیم مطرح شده است پیشنهاد گردید.

¹ concepts

² Categories

³ Propositions

یافته‌ها

ویژگی افراد مورد مصاحبه

جدول (۱) ویژگی افراد مورد مصاحبه

ردیف	سن	تاهل	شغل	وضعیت پوشش
۱	۲۰	مجرد	دانشجو	ساده مانتویی
۲	۲۱	مجرد	دانشجو	مانتویی
۳	۲۷	مجرد	دانشجو	سنتی
۴	۲۲	مجرد	دانشجو	مانتویی معمولی
۵	۲۰	مجرد	دانشجو	معمولی
۶	۲۱	مجرد	دانشجو	عادی
۷	۲۲	مجرد	دانشجو	ساده
۸	۲۰	مجرد	دانشجو	شیک
۹	۲۲	مجرد	دانشجو	حجاب متوسط
۱۰	۱۸	مجرد	دانش آموز	عادی
۱۱	۳۲	متاهل	دفتر بیمه	ساده معمولی
۱۲	۲۴	متاهل	دانشجو	به روز
۱۳	۱۸	متاهل	دانشجو	ساده
۱۴	۳۳	مطلقه	دانشجو	معمولی
۱۵	۳۱	متاهل	خانه دار	ساده
۱۶	۲۴	متاهل	مهندس	معمولی
۱۷	۳۰	متاهل	مشاور مدرسه	ساده پوشیده
۱۸	۲۷	متاهل	خانه دار	اسپرت ساده
۱۹	۲۷	متاهل	دانشجو ارشد	مانتویی
۲۰	۳۸	متاهل	خانه دار	لباس کردی
۲۱	۲۰	مجرد	بیکار	اسپرت
۲۲	۱۹	مجرد	بیکار	اسپرت
۲۳	۲۲	مجرد	کارمند	اسپرت
۲۴	۲۳	مجرد	آرایشگر	ساده
۲۵	۱۸	مجرد	بیکار	-
۲۶	۲۹	متاهل	دانشجوی ارشد	اسلامی
۲۷	۳۵	متاهل	معلم	اسلامی
۲۸	۴۰	متاهل	معلم	اسلامی
۲۹	۳۰	متاهل	آزاد	به دلخواه
۳۰	۳۰	متاهل	فرهنگی	به دلخواه
۳۱	۲۵	مجرد	دانشجو ارشد	مد روز

عادی	دانشجو ارشد	مجرد	۲۳	۳۲
عادی	دانشجو	متاهل	۲۴	۳۳
مد روز	دانشجو	مجرد	۲۸	۳۴
مد روز	دانشجو	مجرد	۲۲	۳۵
معمولی	دانشجو ارشد	مجرد	۲۵	۳۶

بعد معنایی و تجربه‌ای (تعریف مزاحمت خیابانی از دید افراد و معنای آن)

یکی از مهم‌ترین سؤالات تحقیق و خصوصاً نظریه زمینه‌ای تجربه زیسته افراد است. مشارکت کنندگان در مطالعه، هرکدام تجارب مشابه و درعین حال متفاوتی داشته‌اند. تجربه مشابه بیشتر آن‌ها در معرض آزار بودن خصوصاً متلک است و شاید تجربه متفاوت افراد نوع مزاحمت مثلاً برای برخی خانم‌ها لمس بدن و نقاط جنسی بیشتر از بقیه بوده است. هرکدام از 36 خانم شرکت‌کننده در تحقیق تجربه‌های متفاوتی از آزار خیابانی داشته‌اند و به بخشی از تجربه زندگی خود پرداخته‌اند. خشونت خیابانی از دید مشارکت‌کنندگان در تحقیق می‌تواند شامل شوخی و تحقیرهای کلامی، لمس اندام‌ها، متلک، نگاه کردن و خیره شدن، استفاده از عبارات عامیانه تمجیدی، تمجید و تعریف از زیبایی و ... باشد. مثلاً یکی از خانم‌های حاضر در تحقیق می‌گفت:

«بله-مثلاً از کنار چند پسر یا مرد رد شدی یه تیکه می‌ندازن و کم پیش بیاد سکوت کنند یا در داخل اتوبوس‌های شلوغ و بازار». یک خانم جوان دیگر تجربه خود را این‌گونه تعریف می‌نمود: «بله هم متلک را تجربه کرده‌ام هم رفتارهای جنسی را. متلک مثل چشمت قشنگه، خوشگله. رفتار جنسی در حد دست گرفتن یا لمس کردن». این خانم‌ها با متلک و تحقیرهای کلامی مواجه شده‌اند و هرکدام از این فعل‌ها را آزار خیابانی می‌دانند.

یکی دیگر از شرکت‌کنندگان از آزار در مکان‌های عمومی و داخل تاکسی‌ها صحبت می‌کرد:

«بله اکثر اوقات متلک می‌گویند یک‌بار هم دستم را گرفته‌اند و یا در تاکسی که کنار یک مرد یا پسر قرار می‌گیری فاصله را رعایت نمی‌کنند و به صورت عملی تماس جسمی ایجاد می‌کنند».

یکی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش که بیشتر بر روی رفتارهای کلامی و ژست‌های افراد تأکید داشت، تجربه خود را این‌گونه تعریف می‌کند: «بله بسیار پیش می‌آید، مثلاً نگات می‌کنن و قیافشون رو طوری تغییر می‌دهند انگار تو اصلاً لباس نپوشیدی و اونو رو تحریک می‌کنی یا یه حرف‌هایی می‌زنی مثلاً عجب تیکه‌ای هستی یا ...».

سال انواع قیافه‌ها از عادی تا قیافه‌های مدل‌دار. از انواع پوشش‌ها، مد، لباس کردی، لباس گشاد و کارمندی؛ و تمام اقشار از لحاظ مالی فقیر متوسط و غنی هر کدام به نوعی».

-بعد علت مزاحمت خیابانی

دلایل مزاحمت خیابانی از دید افراد حاضر در پژوهش می‌تواند بسیار مهم باشد. در این پژوهش با توجه به فلسفه روش و تأکید بر تجربه زیسته، به دنبال دلایل مزاحمت خیابانی خواهیم بود. در بخش دلایل مزاحمت خیابانی می‌توان به دو فرد شرکت‌کننده در یک رابطه توجه نمود. اول، فرد مورد آزار که مصاحبه‌شونده است؛ و فرد مزاحم که بیشتر مردان خیابان و فضای مجازی، محل کار و تحصیل و امکان عمومی به صورت کلی را شامل می‌شود. حال این افراد دلایل مختلفی، چون فرهنگ پایین، بی‌سوادی، بیکاری، خودنمایی و... را بیان می‌کنند. مقصر دانستن جامعه و نگاه ابزاری به زنان یکی از دلایل مزاحمت خیابانی در جامعه است. یکی از افراد نیز به آموزش‌های جامعه سنتی اشاره می‌نمود: «می‌خواهم بگویم که همان آموزه‌هایی که توی جامعه سنتی وجود داره و مرد آن‌ها را آموخته و هر زنی که بیرونه اگه متعلق به خودشون نباشه حق خودشون می‌دونن که حتماً به هر شیوه‌ایی که شده براش مزاحمت ایجاد کنن. ولی همان مردها اگه کسی به هر نوعی ناموس آن‌ها رو نگاه کنه و یا به عمل خلاف میل اون‌ها رو انجام بده نسبت بهشون، واکنش نشون میدن. یعنی این رفتار رو برای دیگران نادرست و ناخوشایند میدونن ولی خودشون در مقابل زنای دیگه انجامش میدن».

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان سبک پوشش زنان را مهم می‌داند و در این باره می‌گوید: «جوری که جلب توجه نکنن. حتی به چشم زنای دیگه‌ام خیلی تیپ عجیب غریبی نداشته باشن». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در مطالعه می‌گفت: «به نظرم ظاهر مهمه و میتونه مردا رو جذب کنه. ممکنه آرایش به نفع باعث این شه که مزاحمت شن و یا این جرئت رو بده بهشون که بتونن مزاحم شن و خیلی وقت‌ها هم این ترس از مزاحمت به یه جایی می‌رسه که من خودم رو کنترل و محدود به زمان و مکان خاصی می‌کنم که نرم فلان مکان یا هوا که تاریک شد بیرون نباشم. ماشین شخصی سوار نشم و زود برم خونه و آرایش کمتری انجام بدم تا امکان وقوع این اتفاق رو کاهش بدم».

جدول (۳) علت مزاحمت خیابانی از دید افراد حاضر در تحقیق

مفاهیم و توضیحات	مقولات محوری	مفهوم هسته
بیکاری، محیط جامعه، نبود مکان تفریحی، فیلم‌ها و رسانه‌های خارجی از جمله شبکه‌های جم (محیط و رسانه نامناسب) (اغواگری زنانه) (پوشش نامناسب)	بیکاری و الگو از رسانه خارجی	بیکاری و تبدیل شدن به گذران فراغت در فضای مردسالارانه با آموزش مردانه
فیلم‌ها و ماهواره باعث شده قبح مسائل شکسته شود (ماهواره) مناسب نبودن پوشش، بیکاری، نبود اماکن تفریحی و سرگرمی (بیکاری) (مردسالاری)	مشکلات روحی و روانی	
(تبدیل شدن به سرگرمی) رفع نیازهای احساسی دوره‌ی سنی‌اش یا بیکاری و سرگرمی (تأثیر روانی بیکاری)		
اختلالات روانی، بیکاری، فشارهای جنسی، کمبود اشتغال و ازدواج (مشکلات اجتماعی متعدد) (برآورد نشدن نیاز اصلی)	برطرف نشدن نیاز جنسی	
انواع کمبودها اعم از جنسی، عاطفی، روانی و مالی (نقصان‌های مالی جنسی)		
بیکاری، نبود فضای تفریحی و سرگرمی، کمبود محبت، عقده‌های روانی و جسمی (بیکاری و مشکلات روانی)	مشکلات خانوادگی	
نبودن فرهنگ مناسب برای برخورد با زنان. خانواده در تربیت آن‌ها موفق نبوده (عدم آموزش مناسب)		
مردسالاری سنتی) پوشش زنان	آموزش‌های مردسالارانه و تأثیر هنجاری جدید	

بر اساس صحبت‌های افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش بیکاری مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر رفتار مزاحمت خیابانی از طرف پسران و مردان است. نبود فضای تفریحی سالم نیز مفهومی است که باز تکرار و تکرار گردیده و نشان‌دهنده تأثیر فضای اجتماعی غالب در سنندج بر نحوه تفکر در مورد مزاحمت خیابانی است. در واقع خوانش درست از مفهوم تکرار شونده بیکاری نبود اوقات فراغت می‌تواند ما را به این امر رهنمون نماید که وضعیت اقتصادی و اجتماعی و هم‌زمان فرهنگی فضای شهری سنندج عامل تبدیل پاساژ و خیابان‌گردی و آزار خیابان به تفریح و جایگزین زمان بیکاری آنان است. بعد از بیکاری و اوقات فراغت نبود فضاهای تفریحی، مشکلات خانوادگی و فضای مردسالارانه حاکم بر جامعه سنتی و مدرن خصوصاً

فرایند آموزش می‌تواند مقولات مهم بعدی باشند که زنان حاضر در مطالعه اغواگری زنانه را مهم دانسته‌اند.

بر اساس گفته‌های زنان، کمتر خود زنان به عاملیت زنانه در تحریک به آزار توسط مردان مقصر دانسته شده‌اند و آرایش، سبک پوشش و رفتار را عامل توجه مردان و آزار ندانسته و یا تعداد کمی بدان باور داشته‌اند (با توجه به تجربه‌های تلخ افراد خصوصاً در دوران کودکی می‌توان به این مفهوم و کمتر توجه شدن بدان اطمینان داشت). بر اساس آموزه‌های اجتماعی که نهادهای رسمی بیشتر به بازتولید آن می‌پردازند، خود زنان، رفتارشان و سبک پوشش و... عامل اصلی تحریک مردان است، اما افراد حاضر در پژوهش باور چندانی بدان ندارند و می‌توان بر اساس مقدار توجه و تکرار گفت که از دید زنان دلیل قانع‌کننده‌ای نیست.

مفهوم هسته استخراج‌شده از تحقیق «بیکاری و تبدیل شدن به گذران فراغت در فضای مردسالارانه با آموزش مردانه» می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت کار، اوقات فراغت و بازتولید فضای مردانه بر آزار خیابانی از دید زنان باشد.

پیامدهای مزاحمت خیابانی از دید افراد مورد مصاحبه

یکی از مهم‌ترین سؤال‌ها در روش تئوری زمینه‌ای راجع به پیامدهای عمل یا به‌نوعی پیامد آن بر اساس تجربه زیسته فرد است. آزار خیابانی برای زنان پیامدهای مختلفی دارد. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که در قسمت‌های قبل بدان دست‌یافتیم، احساس ترس و ناامنی بود که بیشتر اجتماع مقصر دانسته می‌شد؛ اما آیا علاوه بر این مفهوم مزاحمت خیابانی می‌تواند پیامد دیگری برای افراد داشته باشد.

یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه می‌گفت: «بسیار مهم است چون باعث نابودی خانواده‌ها می‌شود؛ و زنان و مردان را نسبت به هم بدبین کرده و برای زنان نیز باعث ترس و ناامنی می‌شود». این مشارکت‌کننده در این پژوهش علاوه بر سست شدن بنیان خانواده باز بر ایجاد حس ناامنی در زنان تأکید دارد و آن را بسیار مهم می‌داند. مشارکت‌کننده دیگری باز بر ایجاد حس ناامنی تأکید دارد. «بیشتر برای زنان مهم است چون احساس ناامنی کرده و کمتر در محیط اجتماع ظهور پیدا می‌کنند». مشکلات خانوادگی نیز یکی از پیامدهای این عمل است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید: «مهم است چون باعث افزایش بروز خیانت و افزایش طلاق می‌شود».

یکی از مشارکت‌کنندگان علاوه بر بعد ناامنی و عدم احساس امنیت از بین رفتن اعتمادبه‌نفس را ناشی از این عمل می‌داند: «این مسئله به اعتمادبه‌نفس و احساس امنیت زنان ربط دارد و بسیار مهم است». اعتماد

اجتماعی مقوله و امر مهمی است که بر اساس گفته شرکت‌کنندگان در تحقیق آسیب می‌بیند. «بسیار مهم است چون با آینده‌ی هم خانواده‌ها و هم افراد مجرد سروکار دارد. اعتماد دختران نسبت به جنس مخالف از بین می‌رود». محدود شدن فعالیت اجتماعی زنان به دلیل احساس ترس یکی از پاسخ‌های است که مصاحبه‌شوندگان به این عمل می‌دادند. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گفت «بسیار مهم است چون مشکلات دیگری نیز به نبال دارد؛ و احساس بدی نسبت به جامعه در زنان ایجاد می‌شود و می‌ترسند راحت فعالیت اجتماعی داشته باشند»؛ و شرکت‌کننده دیگری می‌گفت: «خیلی مهم است چون اعتماد اجتماعی را کاهش می‌دهد. مردم دیگر جرئت نمی‌کنند زنان و دختران خود را تنها به بیرون بفرستند».

پیامدهای مختلفی را مشارکت‌کنندگان برای این عمل متصور هستند که هرکدام می‌تواند تأثیرات متفاوتی در سطح فردی، گروهی و اجتماعی داشته باشد و مهم‌ترین تأثیر آن احساس ناامنی است و این ناامنی می‌تواند حضور زنان در اجتماع را کاهش دهد.

جدول (۴) پیامدهای مزاحمت خیابانی از دید افراد مورد مصاحبه

مفاهیم و توضیحات	مقولات محوری	مفهوم هسته
(بی‌اعتمادی به جامعه)	افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی	کاهش سرمایه اجتماعی و کاهش حضور زنان
(بی‌اعتمادی اجتماعی)		
حتی اگر یک آدرسی را بلد نباشیم جرئت پرسیدن آن را نداشته‌ایم (بی‌اعتمادی)		
در درازمدت خیلی روی روح و روان فرد اثر مخرب خواهد گذاشت و شاید اتفاقی برای فرد بیفتد که هیچ‌گاه جبران‌پذیر نباشد (آسیب روانی)	عدم امنیت و ناامنی اجتماعی	
یک مشکل اجتماعی است و می‌تونه به جامعه لطمه وارد کنه (آسیب اجتماعی)	کاهش حضور اجتماعی زنان	
حس آرامش و امنیت را برای ما از بین می‌برد (ناامنی)	تنش خانوادگی	
سوءتفاهم در زندگی اشخاص باعث مشکلات بسیاری می‌شود (بی‌اعتمادی)		
(کاهش حضور اجتماعی)		
فرهنگ جامعه و امنیت به خطر می‌افتد (ناامنی اجتماعی)		
باعث افزایش بروز خیانت و افزایش طلاق می‌شود (افزایش تنش خانوادگی)		
زنان و مردان را نسبت به هم بدبین می‌کنند و برای زنان نیز باعث ترس و ناامنی می‌شود (بی‌اعتمادی اجتماعی)		

بر اساس مفاهیم استخراج شده از پیامدهای مزاحمت خیابانی و آزار خیابانی اولین مفهوم مهم بازمی‌گردد به مفهوم حس امنیت. مفهوم ناامنی اجتماعی همراه با خود بی‌اعتمادی اجتماعی را یدک می‌کشد و این دو

مفهوم می‌تواند سبب کاهش حضور اجتماعی زنان شوند. با ناامن دانستن اجتماع و بی‌اعتمادی به فضای مردسالارانه حاکم بر کلیت اجتماع، زنان وادار می‌شوند به صورت خواسته و ناخواسته حضور اجتماعی خود را کاهش دهند. یکی دیگر از پیامدهای این عمل علاوه بر بعد اجتماعی و کلان یک پیامد در بعد خردتر و سطح خانواده دارد و آن هم تنش‌های خانوادگی است. تمایل به مزاحمت، واکنش منفی خانواده خصوصاً جنس مرد نسبت به مزاحمت خیابانی و مقصر دانستن فرد زن باعث می‌شود تنش افزایش یابد و هم‌زمان تمایل مردانه برای مزاحمت خود به تنش خانوادگی دامن می‌زند و مشکلات روانی فروخورده‌گی مزاحمت، زنان را با تنش و بی‌اعتمادی به مردان وامی‌دارد. ناامنی مبتنی بر بی‌اعتمادی اجتماعی و کاهش حضور زنان پیامد اصلی مزاحمت خیابانی است؛ و ناامیدی از اجتماع یکی از پیامدهای است که بیش از نیمی از اجتماع را درگیر خود می‌کند. مفهوم هسته این بخش کاهش سرمایه اجتماعی و کاهش حضور زنان در اجتماع است.

راهکارها به هنگام مواجهه با پدیده مزاحمت در خیابان

جدول (۵) راهکارها به هنگام مواجهه با مزاحمت خیابانی از دید افراد مورد مصاحبه

مفاهیم و توضیحات	مقولات محوری	مفهوم هسته
در حد متک ساده واکنشی نشان نداده‌ام (عدم واکنش)	سکوت و عدم واکنش	
کثر اوقات سکوت می‌کنم و فقط با اخم کردن واکنش نشان می‌دهم (سکوت)	واکنش	
واکنشی نشان نمی‌دهم گاهی اوقات عصبانی می‌شوم اما بیشتر وقت‌ها اهمیتی نمی‌دهم و به راه خود ادامه می‌دهم (بی توجهی)		بی توجهی مدنی
سعی دارم آنها را بی‌توجه کنم و به آنها محل نذارم. در این صورت بدون آبروریزی، خودشان می‌روند (سکوت برای عدم آبروریزی)	واکنش همخوان با عمل	
در صورت توهین توهین متقابل و یا یک ضربه جدی فیزیکی (برخورد تند یا فیزیکی)		
واکنش جدی و شدید و در صورت امکان همان برخوردی را که کرده‌اند تکرار می‌کنم (عکس‌العمل مشابه).		
ترجیح می‌دهم حرفی نزنم و بی‌تفاوت عبور کنم و دور بشم اگر حرف بزنی اوناهم مزاحمتشون رو ادامه می‌دن (عدم تحریک)	عدم واکنش	
در اکثر موارد بی‌تفاوت بودن نتیجه بهتری می‌دهد تا اینکه حتی به طرف مقابل توهین و فحاشی کرد (فقدان واکنش).		

یکی از متداول‌ترین واکنش‌ها، واکنش آنی و بلا واسطه فرد است. در واقع در هنگام مزاحمت واکنش آنی فرد می‌تواند بر ترساندن و یا دور کردن فرد مزاحم بسیار تأثیرگذار باشد. بر اساس یک پیش‌فرض متداول و نگاه قانونی و نگاه دیگر مردسالارانه باید انتظار داشت که افراد یا یک اقدام قانونی انجام دهند و یا نهاد امنیتی

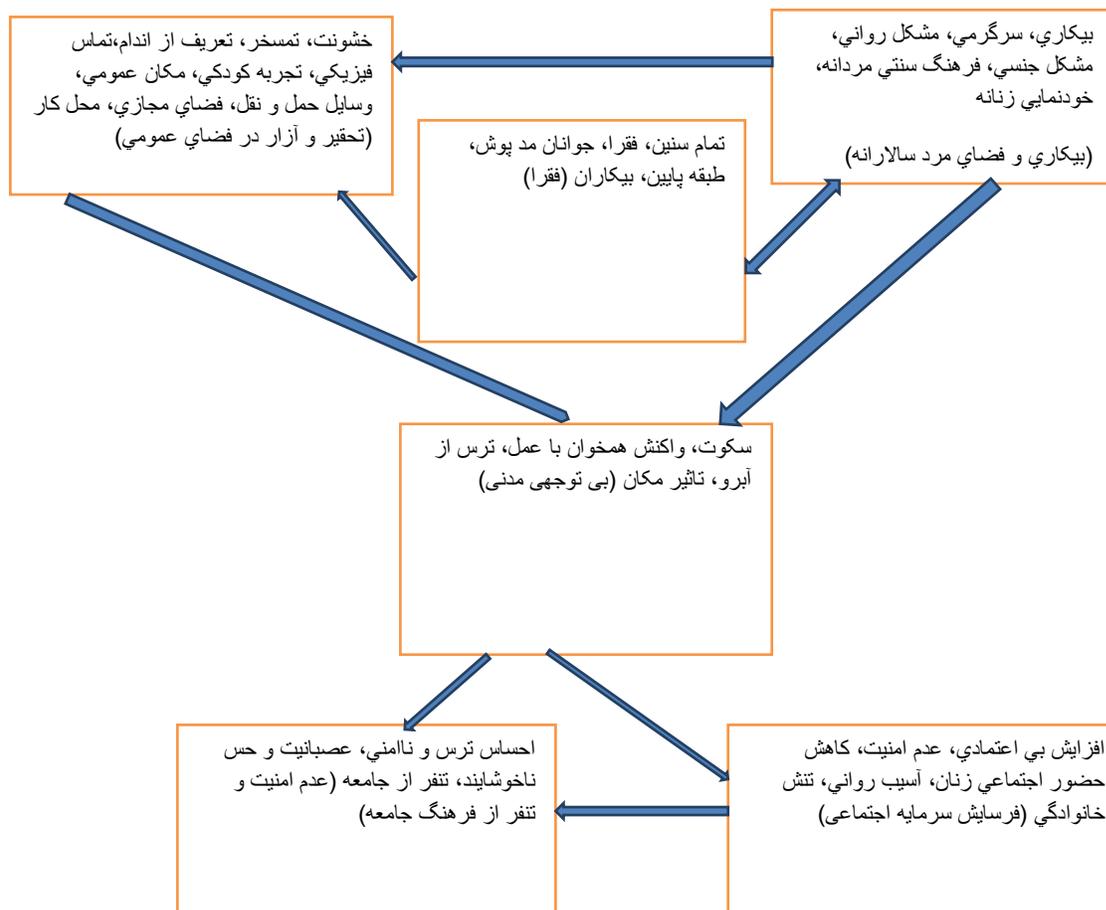
قانونی حاضر در خیابان و اجتماع را مطلع نمایند؛ و نوع واکنش دیگر برخورد شدید و تند با فرد مزاحم است. بر اساس آنچه مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند تقریباً نوع واکنش اول اصلاً صورت نپذیرفته است و واکنش نوع دوم نیز بسیار کم بوده و به‌ندرت از طرف مخاطبین تجاوز و آزار خیابانی یعنی زنان به‌کاربرده شده است.

یکی از افراد حاضر در تحقیق واکنش خود را این‌گونه توضیح می‌داد: «تا حدی که طرف منو میگیره و بدن منو لمس میکنه. من اونقد می‌ترسیدم که حتی اون زمینه رو هم نداشتم که با خونواده‌م مطرحش کنم. بیشتر دچار خودکنترلی، ترس، اضطراب و یه جور تنهایی میشدم. ولی الان میتونم از خودم دفاع کنم. اگه کسی مثلاً به بدنم دست بزنه بهش ضربه میزنم».

اما یکی از افراد حاضر از تحقیق به دلیل عدم سودمند بودن راهکار واکنش تند کم‌کم روی به راهکار بی‌توجهی مدنی می‌آورند. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گفت: «بینید من هر نوع رفتاری در مقابل اون اتفاق انجام بدم، چه داد بزنم چه نزنم فحش بدم یا نه منو ناراحت میکنه. من از این ناراحتم که اون مرده به چه حقی کاری رو میکنه که من ناراحت بشم. مهم نیست که من چطور باهاش برخورد می‌کنم مهم اون تأثیر بدیه که روی روح و روان من میذاره. انسان درگذر زمان که با اون رفتار مواجه میشه سعی میکنه که به شکل متعادل‌تری یا به‌نوعی نادیده‌اش بگیره و از کنارش رد بشه. درهرصورت ناراحت میشه. دیگه آدم حوصله نداره، شاید اگه کسی برای من مزاحمتی درست کنه من یه چیزی بهش بگم شاید یه چیز بدتر بهم بگه. مخصوصاً وقتی توی جمع هستم، مردی که به من تجاوز میکنه میگن اون زنه خودش دوست داشته و تفصیر مرده نیست. خود این قضاوت و اون تصویر باعث میشه که من اصلاً جرئت نکنم حرفی بزنم».

بعضی دیگر از افراد دوباره همان سکوت را اختیار می‌نمایند. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گفت: «معمولاً نشنیده می‌گیرم اما اگر برخورد غیرقابل تحمل باشد و در حدی که با عکس‌العملم شخصیت خودم را زیر سؤال ببرم پاسخ می‌دهم در حد اینکه خیلی محکم و جدی تذکر بدهم». می‌توان مفهوم سکوت و در بعضی مواقع تمایل به واکنش و برخورد فیزیکی و کلامی را برجسته نمود که افراد از آن برای حفاظت از خودشان استفاده می‌نمایند. البته یک نکته مهم در مورد سکوت نیز صادق است که سکوت و عدم توجه و واکنش نوعی راهکار مقابله است که توسط این زنان در برخورد با افراد مزاحم به‌کاربرده می‌شود. سکوت از نظر مشارکت‌کنندگان می‌تواند باعث تحقیر، بی‌آبرویی و نشان‌دهنده عدم اهمیت فرد برای زنان باشد و هم‌زمان کارکرد حفظ آبرو و انگشت‌نمان نشدن را هم برای این زنان بازی می‌کند.

مدل پارادایمیک شماره ۱: مفاهیم و مقولات



بحث و نتیجه گیری

در بخش تئوریک تأکید بر فضای مردانه و تأثیر آن بر تولید و بازتولید باور اجتماع در قالب نقش دهی به نقش های زنانه و مردانه بررسی شده است. نظریات کنترل اجتماعی، نظریات فمینیست ها و یادگیری اجتماعی بر یک موضوع تأکید دارند و آن هم اجتماعی شدن و تفوق فضای مردسالارانه بر تعریف از جنسیت و کنترل جنسیتی است. فضای اجتماعی که در آن آموزش، یادگیری و اجتماعی شدن فضای مردسالاری را می سازد

که مفهوم قدرت و اعمال قدرت لتون را به عنوان پیامد خود به همراه دارد. جامعه‌پذیری در دنیای سنتی، حاکمیت قدرت مردانه را بر زنان مشروع نموده و مردان سعی بر کنترل زنان و محدود نمودن آنان در فضای خصوصی دارند. این نظریات در فرایند پژوهش در قالب مفاهیم مختلف تأیید شده‌اند که در سیر داستان نهایی به آن اشاره می‌شود. به نظر خود زنان آموزش و تأثیر فضای مردسالارانه و قدرت مردانه عامل ترغیب به مزاحمت است. درزمینه تجربی نیز صادقی فسایی و لاریجانی (2010) عامل طبقات، سن خصوصاً جوانی، تحصیلات، فقر و منزلت اجتماعی را مهم می‌دانند فاکتورهای که مشارکت‌کنندگان در جریان پژوهش بارها آن را تکرار نموده‌اند.

مزاحمت خیابانی همچون پدیده‌ای مدرن که بیشتر مختص به فضاهای شهری است خصوصاً با حضور بیشتر زنان در اجتماع بیشتر شده است. افراد مزاحم را در این فضا مردان تشکیل می‌دهند. به نظر افراد شرکت‌کننده در پژوهش از هر نوع سنی مزاحم خیابانی داشته‌اند و نمی‌توان آن را فقط محدود به جوانان یا نوجوانان نمود که با مطالعه گاردنر (1995) مطابقت دارد. تمام سنین تمایل به ایجاد مزاحمت دارند اما از دید این زنان افراد با تیپ‌های مد روز و دارای لباس‌های مد بیشتر مزاحمت خیابانی را انجام داده و در این بین به نظر مشارکت‌کنندگان در مطالعه تعلق اجتماعی این گروه به طبقه پایین بیشتر است و ثروتمندان کمتر اقدام به آزار خیابانی می‌نمایند. از دید این زنان جوانان بیکار متعلق به طبقه پایین جامعه مزاحمت خیابانی بیشتر را انجام می‌دهند جوانانی که به دلیل نبود سرگرمی فضای خیابان را به مکان تفریح و سوژه تفریح خود را نیز زنان انتخاب می‌کنند. این آزار زنان از دید مصاحبه‌شوندگان بیشتر در فضای بیکاری، نبود سرگرمی و کمبود عاطفی صورت می‌پذیرد که تمام سنین را به انجام آن ترغیب می‌کند (منطبق با بحث محرومیت نسبی در مطالعه مرادیان و همکاران، 2016). دلزدگی از زن و نبود کنترل خانوادگی و بازتولید برتری مرد بر زن در خانواده می‌تواند جوانان و مردان را به این سمت ببرد که مزاحمت در خیابان علاوه بر جنبه سرگرمی و جنسی نوع حس برتری جویانه و ادعای حق است که می‌توانند با آن قدرت خود و توان خود را در فضای ابژه شدگی زنان به نمایش بگذارند. علاوه بر خیابان، محل کار، محل تحصیل، بازار و سایر نقاط در دوره تسلط شبکه‌های اجتماعی این فضا نیز به مکانی برای آزار آنان تبدیل شده است و به نوعی هر وقت در فضاهای اجتماعی، مجازی و ... قرار می‌گیرند که مردان در آن حضور دارند نوعی مزاحمت را تجربه می‌نمایند. یافته فراوانی تجربه مزاحمت منطبق با مطالعات ذکایی (2005)، احمدی و بیورانی (2016)، دریدر (1994)، دیلهون و باکایا (2014)، حسن و همکاران (2008)، تایرون (2017)، ویکتوریا و

همکاران (۲۰۲۱) است. اما با وجود این همه مزاحمت و آزار، راهکار این زنان در عالم واقع و بر اساس تجربیات خود آنان چیست؟

بیشترین واکنش بلافصل و اولیه زنان نوعی سکوت و عدم واکنش و عدم تمایل به درگیر شدن است که با مطالعه ذکایی (۲۰۰۵)، لوگان (۲۰۱۳)، دیلون و باکایا (۲۰۱۴) و آدیکاری و حسین (۲۰۲۱) همخوانی دارد. خصوصاً با تجربه اولین برخوردها و مزاحمت‌ها، تعداد کمی از این زنان عمل مشابه و تند یا خشنی در واکنش به مزاحمت انجام می‌دهند خصوصاً در مکان‌های خلوت، هرچند در فضاهای شلوغ نیز سکوت واکنش حاکم بر رفتار آنان است و دلیل آن نیز به فضای مردسالارانه و نوعی احساس شرم و آبرو بازمی‌گردد که با مطالعه ذکایی، ابادری، صادقی فسایی و حمیدی، مک‌میلان، نیروبیز و ولش مطابقت دارد. این زنان بر این باورند برای حفظ آبرو و دور شدن و هم‌زمان کمتر ترغیب شدن فرد مزاحم، سکوت و بی‌مחلی می‌تواند استراتژی مهم و اصلی باشد؛ و اولین تجارب آنان نیز که نوعی آگاهی‌دهنده می‌تواند باشد بیشتر در سنین کودکی اتفاق افتاده است و سکوت واکنش روانی تثبیت شده اکثر زنان به غیر از افراد تحصیل کرده می‌باشد. برای بعضی از زنان نیز نوع مزاحمت خیابانی که شامل متلک، تمسخر، لمس اندام جنسی و تعرض بوده در واکنش آنان تعیین‌کننده است که منطبق با مطالعه جانسون و بنت می‌باشد. در واقع این زنان نسبت به چگونگی برداشت از خود و شدت مزاحمت واکنش نشان می‌دهند و اغلب برای این زنان طیف وسیعی از رفتار و عمل می‌تواند نماد مزاحمت خیابانی باشد. متلک متداول‌ترین نوع از مزاحمت خیابانی است که برای آنان اتفاق افتاده و زنان واکنش چندانی نسبت بدان ندارند.

احساس ترس و ناامنی و مقصر دانستن جامعه مردسالار یک راهکار برای زنان است که دیگر خود را مقصر ندانند هرچند برخی خود زنان را به دلیل رعایت نکردن اصول حجاب و رفتار متهم می‌کنند و بر این باورند که زنان اگر جدی‌تر باشند و حجاب درست‌تری را دارا باشند این عمل رخ نمی‌دهد و بسیاری نیز با آن مخالف‌اند. این واکنش روانی پیامدهای بی‌شماری را برای زنان به همراه دارد که از حمایت خانوادگی و قانونی کمی نیز برخوردارند. در بین مشارکت‌کنندگان در این مطالعه، تنها یک نفر در بیان عکس‌العمل‌اش اظهار داشت به پلیس مراجعه می‌کند و این در حالی است که حضور پلیس در خیابان‌های شلوغ سنندج بسیار پررنگ است، اما چرا این زنان به پلیس که نماینده قانون و امنیت است مراجعه نمی‌کنند. این شاید بازگردد با نحوه برخورد خود پلیس و گشت‌های پلیس با زنان. هم‌زمان خانواده نیز حمایت چندانی نمی‌نماید و تمایل به مقصر نمودن و کنترل بیشتر زنان دارد.

پیامد عمل مزاحمت خیابانی برای اجتماع و زنان بسیار گران تمام می‌شود. اگر بپذیریم که زنان نصف جامعه و بخش جدایی‌ناپذیر نیروی فعال و حاضر در عرصه اجتماع و اقتصاد هستند، پس برای ایجاد یک فضای مناسب باید نوعی امنیت روانی و احساس آرامش را برای آنها فراهم نمود اما از دید این زنان مزاحمت‌های خیابانی اجازه ایجاد چنین فضای حداقل از لحاظ روانی نمی‌دهند. علاوه بر احساس ترس و ناامنی نوعی فضای بی‌اعتمادی اجتماعی شکل می‌گیرد که زنان را به اجتماع بدبین می‌نماید و نوعی احساس عدم امنیت اجتماعی در زمان حضور در فضاهای مردانه را به آنان تلقین می‌کند. احساس ناامنی که در عالم واقع تجربه نموده‌اند؛ و این احساس ناامنی و بازتولید فضای بی‌اعتمادی می‌تواند حضور مؤثر زنان در عرصه اجتماع را کمرنگ کند که می‌تواند از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بسیار مضر باشد. هم‌زمان آسیب روانی و تنش خانوادگی نیز می‌تواند یکی دیگر از پیامدهای این امر باشد.

توصیه‌ها:

- برای بهبود یافتن وضعیت زنان در عرصه اجتماع اولین راهکار که خود زنان نیز بدان توجه داشته‌اند آموزش است. از دید این زنان آموزش می‌تواند تأثیر زیادی بر تغییر رفتار افراد بگذارد، اما نه آن نوع آموزشی که بازتولید فضای مردسالارانه را به دنبال داشته باشد و زنان را باز در جایگاه سوژه تعریف کند و گناه مزاحمت را متوجه آنان نماید. در فضای آموزشی نوعی برابر دانستن و توجه به لزوم حضور زنان در اجتماع و هم‌زمان تأکید بر تکریم شخصیت زنان به‌عنوان یک انسان برابر می‌تواند کمی از این فضا بکاهد و هم‌زمان با دادن مسئولیت و ایجاد فضای مسئولیت برای آنان می‌توان این آموزش را تقویت نمود.

- علاوه بر فضای آموزش از بین بردن دلایل مزاحمت خیابانی مهم است با توجه به این امر که از دید زنان بیکاری، نبود سرگرمی و مشکلات خانوادگی علل تمایل به انجام مزاحمت خیابانی هستند. ساخت فضاهای تفریحی و سرگرمی و توجه به جوانان و نوجوانان در بروز هیجانات خود و ساخت فضای مناسب تفریحی و حداقل اجازه به بروز آن در مکان‌های خاص می‌تواند یک راهکار مهم در برخورد با این مهم باشد. تخلیه روانی و هیجانی جوانان در زمینه‌های مختلف و فضاهای دیگر می‌تواند کنترل‌کننده بروز این هیجانات در فضای خیابان باشد. هم‌زمان بیکاری فزاینده نیز عامل مهم دیگری است که جوانان و به‌صورت عام مردان را راهی خیابان می‌نماید، با تعریف شغل و انتقال نیروی مردان بدان سمت و در اختیار قراردادن شغل و درآمد کمتر مردان توان حضور و یا وقت و انگیزه حضور در این فضا را خواهند داشت و هم‌زمان با ایجاد اشتغال نوعی تمایل به ایجاد خانواده و ازدواج بیشتر می‌شود و نیازهای جنسی و روانی جنسی مردان در فضای

سالم خانواده تأمین می‌گردد و خودنمایی مردانه به فضای خصوصی خانواده بازگردانده می‌شود. یادگیری نقش‌های جنسیتی و ملاحظات آن به کمک کارگزاران اجتماعی و تغییر نگرش جهت ایجاد محیطی که افراد در آن احساس رضایت داشته باشند، بدون توجه به جنسیت از اهمیت خاصی در این فرآیند برخوردار است.

References

- Abazari, Y, Sadeghi Fassaei, S & Hamidi, N.(2008). "Feeling Insecure from the Feminine Experience of Everyday life", *Women's Research*, (6) 1: 75 -103. (Persian).
- Adhikari, Apoorva and Husain Abid .(2021), *Street Harassment and Coping among Indian College Women*, *Demography India* Vol. 50, No. 1, pp. 152-162.
- Ahmadi, Y; Biwarani, S.(2016), " Study of the Effect of Parents' Socio-Cultural Components on Sexual (Street) Harassment of Male Children", *Journal of Social Studies and Research in Iran*, (5) 3: Fall, 436-413. (Persian).
- Ahmadi, Y; Bokharaei, A; Biwarani, S.(2019), "Sociological Explanation of Sexual Harassment (Street) through the Lens of Harassment (Study of Boys 18 to 30 Years Old in Sanandaj)", *Iranian Journal of Social Affairs*, Year 10, Fall and Winter, No. 2: 27-5.(Persian).
- Berman, M.(2019). *All that is Solid Melts into Air: The Experience of Modernity*, Translate by Morad Farhadpour, Tehran: Tarhe no.(Persian).
- Blaikie, N.(2013). *Approaches to Social Enquiry*, Trarnslator Hashem Aghabeigpouri, Tehran: Sociologist.(Persian).
- Bourdieu, P.(2002). "Theory of Action: Practical Reasons and Rational Choice", Trarnslator Morteza Mardiha, Tehran: Naghsh-o-Negar Publications.(Persian).
- Bowman, C. G. (1993). "Street Harassment and the informal Gettoization of women", *Harvard Law Review*, Vol. 106, No. 3, pp: 517-580.
- Bryman, A.(2014). *Quantity and Quality in Social Research*, Trarnslator Hashem Aghabaighpouri, Tehran: Sociologist.(Persian).
- Creswell, J. W.(2019). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches*, Trarnslator Hasan DanaeeFard & Hosain Kazemi, Tehran: Saffar.(Persian).
- Crouch, M. (2009). Sexual harassment in public places. *Social Philosophy Today*, 25, 137–148.
- Deirdre, D.(1994). The Harm That Has no Name: Street Harassment, Embodiment and African American Women, *UCLA Women's Law Journal*, 4(2). <https://escholarship.org/uc/item/83b9f21g>.
- Dhillon, M. & Bakaya, S. (2014). *Street Harassment: A Qualitative Study of the Experiences of Young Women in Delhi*. Sage, July-September 2014: 1–11
- Di Leonardo, M. (1981). "Political Economy of Street Harassment". *AEGIS*, Pp 51-52
- Eitzen, S, D, Baca Zinn, M, Eitzen Smith, K.(2018). *Social Problem*, Trarnslator Hoshangh Nayebi, Tehran: Pazhoheshgahe farhang, honar u erbatat. (Persian).
- Ferrer-Perez, Victoria A. Carmen Delgado. A. Andres Sanchez. P. Esperanza Bosch. F. Virginia Ferreira. B.(2021), *Street Sexual Harassment: Experiences and Attitudes among Young Spanish People*, *International Journal of Environmental Research and Public Health*.pp 1-19.
- Flick, U.(2018). *An Introduction to Qualitative, Research*, Trarnslator Hadi Jalili, Tehran: Ney.(Persian).
- Gardner, C. B. (1995), *Passing by: Gender and public harassment*. Berkley, CA: University of California Press.

- Giddens, A.(2020). Sociology, Translator Hasan Chavoshian, Tehran: Ney.(Persian).
- Goffman, E.(2013). Stigma: Notes On The Management Of Spoiled Identity, Translator Masood Kyanpour, Tehran: Markaz.(Persian).
- Hassan, R. Komsan N. and Shoukry, A. (2008), ““Clouds in Egypt’s Sky:” Sexual Harassment from Verbal Harassment to Rape’, Cairo: Egyptian Centre for Women’s Rights (ECWR).
- Heydari Nejad, S. Navah, A. (2019). Identification of Factors Affecting Violence at Women in Ahvaz City. Quarterly Journal of Women and Society, 9(36), 133-152.(Persian).
- Iman, M. T and Yosefinejad, E and Hosseinzadeh, M.(2011). "Women, Harassment and Reaction: A Study of the Experience of Female Students about Street Harassment and Response to It", Iranian Journal of Sociology, (12) 3: 93-63.(Persian).
- Johnson, M. & Bennett, E. (2015). Australian Women’s Experiences of Street Harassment. The Australia Institute Research that matters.
- Kearl, H. (2010) Stop Street Harassment: Making Public Places Safe and Welcoming for Women. Praeger Publisher, Santa Barbara.
- Langelan, M. (1993). Back Off! How to Confront and Stop Sexual Harassment and Harassers. New York: Simon & Schuster. p 32.
- Lenton, R. Smith, M.D. Fox, J. & Morra, N. (1999) 'Sexual Harassment in Public Places: Experiences of Canadian Women', Canadian Review of Sociology/Revue canadienne de sociologie, vol. 36, no. 4, pp. 517–540.
- Logan, Lauras. (2013). Fear of Violence and Street Harrasment: Accountability at the Intersection, Department of Sociology, Anthropology, and Social Work College of Arts and Sciences, Kansas State University Manhattan, Kansas.
- Macmillan, R. Nierobisz, A. & Welsh, S. (2000) ‘Experiencing the Streets: Harassment and Perceptions of Safety Among Women’, Journal of Research in Crime and Delinquency, vol. 37, no. 3, pp. 306–322.
- Mirzaie, S.(2017). Sociology of Crime, Tehran: Sociologist.(Persian).
- Mohseni Tabrizi, A.(2016). Qualitative Research Methods in Definition Paradigm, Tehran:etelaat.(Persian).
- Morse, J. M. (1995). The Significance of Saturation. Qualitative Health Research, 5, 147–149.
- Moyer, I. (2002). Criminological Theories, Sage Publication.
- Nikitine, V.(1999). The Kurd & Kurdistan, Translator Mohammad Qazee, Tehran: Derayat.(Persian).
- Sadeghi Fassaei, S and Rajab Larijani, M.(2010), "Sociological Study of Sexual Harassment of Women in the Workplace", Women in Development and Politics (Women's Research), (8) 3: 111-134.(Persian).
- Safari Shali, R.(2015),” Principles of Writing a Research Proposal (Proposal Writing)”, Tehran: Rahbord Paymayesh publications.(Persian).
- Saffarian, M; Moradi, G; Narimani, M.(2016), “A Study of Sociological Factors Affecting the Study of Street Harassment in Kermanshah”, Quarterly Journal of Women and Society, Year 7, No.1, Spring: 219-245.(Persian).
- Schaeffer. R. T. (1992). Sociology. New York, McGraw Hill.
- Shepard, J.M. (2007). Sociology. Ninth Edition. Thomson Higher Education.
- Strause, A, Corbin. J.(2019). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Grounded Theory, Translator Ebrahim Afshar, Tehran: Ney.(Persian).
- Tyrone, B.(2017) , How Men Talk About Street Harassment. Raleigh, North Carolina State University.
- UNESCO (1997) Culture and Development Anthropological Approach to Development. Translator Mohammad Sadegh Fazeli and Nematullah Fazeli, Tehran. Tabe va Nashr Publishing.(Persian).
- Wald, G, Bernard, T and Jeffrey, S.(2018),” Theoretical Criminology”, Translator Ali Shojaei, Tehran: Samt.(Persian).

-
- White, R, Haines, F.(2019). Crime And Criminology: An Introduction Translator Ali Salimi, Tehran: Pazhoheshgahe Houze u Daneshgah.(Persian).
- Whyte, W. H.(2013). The Social Life Of Small Urban Spaces, Translator Mitra Habibi And Mohammad Hadi Ghiasi, Tehran: Art University.(Persian).
- Williams, F and Mackshin, M.(2004),”Theories of Criminology”, Translator Hamidreza Malek Mohammadi, first edition, Tehran: Mizan Publishing.
- Zokaei, M. S.(2005), “Sexual Harassment for Women in Different Environments”, Tehran: National Youth Organization Archive.(Persian).